

در کاخ سفید و هم آقای پوتین در کاخ کرملین با روسای شرکت‌های نفتی کشورشان جلسات مکرر ترتیب دادند.

نفت در عین حال یک مفهوم حکمرانی است. یعنی هیچ دولتی نمی‌تواند به مسئله انرژی و بخصوص نفت خام بی‌توجه باشد. در آمریکا سقوط قیمت نفت خام باعث پایین آمدن قیمت‌های فرآورده در این کشور گردید. قیمت بنزین هم اکنون در برخی از ایالت‌های آمریکا به ۹۹ سنت در هر گالن رسیده است. این بدان معناست که مردم کف خیابان در آمریکا از قیمت سوخت رضایت دارند و احتمالاً در انتخابات نوامبر ۲۰۲۰ به ترامپ رای خواهند داد. از سوی دیگر قیمت پایین نفت به معنای ورشکسته شدن شرکت‌های نفتی در آمریکاست که آن‌ها عمده‌ترین حامیان ترامپ و کمک نقدی دهندگان به ستاد انتخاباتی ترامپ هستند. بنابراین تناقض سیاستی بزرگی در پیش روی کاخ سفید است.

اثر کاهش قیمت نفت بر تولید نفت و گاز آمریکا یعنی نفت شیل چیست؟

کم شدن فعالیت‌های اقتصادی و متوقف شدن حمل و نقل در آمریکا به قدری تأثیر داشته که رکود اقتصادی به اندازه رکود بزرگ در دهه ۱۹۳۰ تلقی می‌شود. کاهش مصرف نفت از ابتدای دوران استفاده از نفت در دهه ۱۸۶۰ بی‌سابقه است. در میانه ماه آوریل سال جاری، کل مصرف فرآورده‌های نفتی در آمریکا به مقدار ۱۴/۱ میلیون بشکه در روز رسید که نزدیک به ۱۳/۸ میلیون بشکه در هفته قبل بود. اما نسبت به ۵ هفته قبل در ابتدای مارس که ۲۱/۵ میلیون بشکه بود، به مقدار یک سوم کاهش یافته است. واردات نفت خام آمریکا در مدت مشابه از ۶/۵ میلیون بشکه به ۴/۹ میلیون بشکه در روز رسید. حال به سؤال شما می‌رسیم. تولیدکنندگان نفت غیرمتعارف همراه سنگ‌های رسوبی (شیل) با مشکل قروض خود به سرمایه‌گذاران فعلی و عدم اشتیاق برای سرمایه‌گذاری در آینده در این بخش از صنعت نفت و گاز مواجه شده‌اند. به خصوص قیمت نفت تگزاس که در ۲۰ آوریل ۲۰۲۰ به سطح منهای ۳۸ دلار هر بشکه رسید، صبر سرمایه‌گذاران را تمام کرد. ۶۰ درصد تولیدکنندگان مستقل آمریکا باید تجدید ساختار داده و برای بدهی‌های خود برنامه زمانی مجدد تدارک ببینند. تولیدکنندگان نفت شیل به اعلام ورشکستگی به عنوان یک سپر محافظ در برابر بدتر شدن وضعیت شرکت و نزدیک شدن به صفر جریان نقدی خود نگاه می‌کنند. با اعلام ورشکستگی



گفت‌وگو با دکتر عباس ملکی، استاد دانشگاه صنعتی شریف در دانشکده مهندسی انرژی

بحران انرژی، کرونا و اقتصاد جهانی

عرضه کنندگان مانده است. اما نفت فقط یک کالای اقتصادی نیست. یک موضوع سیاسی هم هست. مثل مرغ و تخم مرغ. نمی‌دانم آیا این نفت است که موجب جنگ است یا جنگ است که مولد تغییرات در قیمت نفت می‌شود. هر چه هست ارتباط نزدیک بین نفت و تغییر در سیستم‌های سیاسی و دولت‌ها در نقاط مختلف جهان قطعی است.

نفت یک مفهوم ژئوپلیتیک است. چون عموماً مراکز تولیدکننده نفت خام در جهان با مناطق مصرف متفاوت است. پس نیاز به انتقال این ماده معدنی است. کشتیرانی در این بازار نقشی اساسی دارد و ۳۰ میلیون بشکه در روز نفت از طریق دریانوردی جابجا می‌شود. پس گلوگاه‌های استراتژیک جهان برای انتقال نفت نقشی اساسی ایفا می‌کنند. مانند تنگه هرمز که روزانه ۱۷/۵ میلیون بشکه نفت از آن عبور می‌کند. نفت یک موضوع در روابط بین‌الملل نیز هست. بزرگترین تولیدکنندگان نفت خام کشورهایی هستند که نقشی اساسی در شکل‌گیری و ادامه روند تحولات بین‌المللی دارند. آمریکا در حال حاضر ۱۳ میلیون بشکه و روسیه ۱۱ میلیون بشکه نفت در روز تولید می‌کنند. گرچه هر دو کشور ادعا می‌کنند که بخش خصوصی در تولید نفت فعال است، اما در زمانی که قیمت‌ها در سرازیری سقوط بودند هم آقای ترامپ

دکتر عباس ملکی استاد دانشگاه صنعتی شریف سال‌های در بخش انرژی تحقیقات مختلفی انجام دادند و در دانشگاه‌های خارجی به عنوان استاد میهمان به تدریس و تحقیق مشغول بوده‌اند. ایشان همچنین سال‌ها ریاست مؤسسه تحقیقات مربوط کشورهای آسیای میانه و همچنین معاونت پژوهشی وزارت امور خارجه را برعهده داشته‌اند.

بحران سقوط قیمت نفت را چگونه ارزیابی می‌کنید و علت آن چیست؟

برای آن که متوجه شویم که چگونه قیمت نفت خام سقوط کرد، ابتدا بهتر است بدانیم نفت چیست. به نظر من نفت خام یک کالا است. پس روند قیمت آن از مدل‌های اقتصادی پیروی کرده و شرایط عرضه و تقاضا بر قیمت و مقدار تعادلی آن تأثیر مستقیم دارد. در پی عدم توافق مجموعه ۱۳ کشور عضو سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) و ۱۰ کشور غیرعضو اوپک، مقدار عرضه نفت به بازارهای جهانی به ۱۰۳.۳ میلیون بشکه در روز رسید. شیوع بیماری کووید-۱۹ تقاضا برای نفت در بازارهای مختلف به خصوص چین را تا ۳۰ میلیون بشکه در روز از ماه‌های قبل پایین آورد. طبیعی است که قیمت در چنین حالتی افت کرده و بازار به دنبال راهی برای خلاص شدن از دست نفتی است که بر روی دست

تولیدکنندگان نفت شیل، آنگاه نوبت صاحبان خطوط لوله است که به مصیبت دچار شوند. چرا که قرارداد انتقال نفت از خطوط لوله در زمان بالا بودن قیمت نفت منعقد شده و حالا تولیدکنندگان نفت ادعا می‌کنند ورشکسته شده و نمی‌توانند هزینه‌های خط لوله را بپردازند. پالایشگاه داران در انتهای این صف آسیب دیدگان از افتادن قیمت نفت و عدم وجود تقاضا هستند. ظرفیت تصفیه می‌باید با توجه به قراردادهای با مشتریان فرآورده تعیین شود. یعنی در روزها و هفته‌های پیش رو، پالایشگاه باید خاموش شود. چیزی که خود هزینه‌های اضافی به صاحب پالایشگاه تحمیل می‌کند. این را هم بیاد داشته باشیم در محافل مالی جهان این مسئله مطرح است که از این پس سود سهام برای سرمایه‌گذاری در حوزه‌های نفتی ممکن است به صفر برسد.

اثر کاهش قیمت نفت بر تولید کشورهای بزرگ نفتی مانند عربستان سعودی و روسیه را چگونه می‌بینید؟

از ابتدای ماه مه ۲۰۲۰، توافق ۲۳ کشور متشکل از ۱۳ کشور عضو اوپک و ۱۰ کشور غیرعضو موسوم به اوپک پلاس، اجرایی شد. اوپک که در ماه آوریل مجموعاً حدود ۳۰ میلیون بشکه در روز تولید می‌کرد، متعهد شد که بیشتر از حدود ۲۰ میلیون بشکه در روز تولید نکند. عربستان سعودی مطابق این توافق می‌باید ۸.۵ میلیون بشکه در روز تولید نماید. آخرین باری که عربستان از این مقدار کمتر تولید کرده در سپتامبر ۲۰۱۹ و پس از حمله موشکی به تأسیسات نفتی در عقیق بوده است. وزیران نفت و انرژی کشورهای عضو و غیر عضو سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) در دهمین نشست فوق‌العاده خود از طریق وینار (ویدئو کنفرانس) در ۱۲ آوریل (۲۴ فروردین ماه) متعهد شدند تولید روزانه خود را از اول ماه مه (۱۲ اردیبهشت ماه) ۹ میلیون و ۷۰۰ هزار بشکه در ماه‌های مه و ژوئن کاهش دهند. همچنین کشورهای تولیدکننده نفت اوپک و غیراوپک حاضر در توافقنامه همکاری در این نشست توافق کردند پس از پایان دو ماه، به مدت ۶ ماه از یک ژوئیه تا ۳۱ دسامبر سال ۲۰۲۰ روزانه ۷ میلیون و ۷۰۰ هزار بشکه کاهش عرضه داشته باشند و در بازه زمانی یکم ژانویه ۲۰۲۱ تا ۳۰ آوریل ۲۰۲۲ به مدت ۱۶ ماه نیز روزانه ۵ میلیون و ۸۰۰ هزار بشکه تولید خود را کاهش دهند. حال وزرای نفت و انرژی کشورهای اوپک پلاس قرار است در ۱۰ ژوئن (۲۱ خرداد) مجدداً از طریق مجازی با یکدیگر ملاقات نموده و وضعیت بازار را بررسی نمایند.

به نظر می‌رسد که علیرغم ضررهای متعددی که کشورهای متکی به نفت مانند قزاقستان، نیجریه، عراق و ونزوئلا متقبل شدند، یک کشور از قبال مسائل مربوط به کرونا و کم شدن تقاضا به امتیازاتی دست یافت. عربستان سعودی به لحاظ آینده پژوهی به وضعیت قابل قبولی رسید. قیمت پایین نفت برای کشوری که اگر قیمت نفت ۸۰ دلار باشد، کسری بودجه نخواهد داشت، رنج آور بود. در اولین فصل سال ۲۰۲۰ عربستان ۹ میلیارد دلار کسر بودجه به بار آورد. وزیر دارایی عربستان هفته گذشته اعلام کرد که عربستان ناچار است که هزینه‌هایش را کمتر کرده و بخشی از پروژه‌های مربوط به چشم انداز ۲۰۳۰ را با تأخیر اجرا نماید. در ۲۰۱۹ نسبت بدهی به تولید ناخالص داخلی عربستان حدود ۲۴ درصد بوده است که نرخ پایینی است. همچنین وزیر دارایی گفت که تا کنون ۳۲ میلیارد دلار از منابع ارزی این کشور هزینه شده است. اکنون بانک مرکزی عربستان دارای ذخایری حدود ۴۷۴ میلیارد دلار است. اما عربستان سعودی با ایجاد ظرفیت اضافی برای خود، آینده خود را تأمین کرده است. زمانی که اقتصاد مجدداً به کار افتد، قیمت نفت بالا خواهد رفت و این عربستان سعودی است که با ظرفیت ۱۲ میلیون بشکه ای خود می‌تواند نظرات خود را به دیگر کشورهای عضو اوپک دیکته کرده و دلارها را جارو کند. به تازگی عربستان و کویت برای تولید مشترک از منطقه موسوم به بی طرف به توافق رسیدند.

در مورد روسیه باید گفت که منافع ملی روسیه هم‌خوانی با کاهش قیمت نفت ندارد. هرچند که ممکن است کاخ کرملین از این حربه برای بیرون کردن رقیب از بازار و دامپینگ استفاده کند. در ماه گذشته دو خبر از مسکو رسید. اول این که وزیر انرژی روسیه گفت که روسیه ممکن است که به میز مذاکره با عربستان سعودی باز گردد. در عین حال خبرگزاری روسیه اعلام کرد که روسیه با عربستان هیچ گونه تماسی نداشته و بر روی هیچ مسئله‌ای توافق نکرده است. اما واقعیت آن است که روسیه در این میان تمایل داشت که هم با آمریکا و هم با عربستان سعودی به تفاهم برسد. با آمریکا به دلیل این که روسیه همچنان از تهدید آمریکا به تحریم کامل صنایع نفت و گاز روسیه هراس دارد. با عربستان به دلیل این که روسیه از هر کشور دیگری بیشتر نیازمند دلارهای نفتی برای تأمین بودجه دولت است. به همین دلیل بالا رفتن قیمت نفت هدف نهایی روسیه است، هرچند این هدف را به ظاهر در حالتی غیرشفاف دنبال می‌کند. پوتین در جلسه با صاحبان

صنایع نفت و گاز روسیه اظهار داشت که روسیه در ماه مارس آمادگی کامل داشت تا کاهش قابل توجهی در تولید به همراهی آمریکا و عربستان بدهد، اما متأسفانه این عربستان بود که با تمدید توافق موافقت نکرده، تخفیف‌های اضافی بر روی نفت خود داده و باعث افت قیمت نفت گردید. پوتین گفت که برای روسیه هر بشکه نفت به قیمت ۴۲ دلار مناسب است.

آیا دخالت آقای ترامپ با فشار عربستان، روسیه و مکزیک برای کاهش تولید نفت مؤثر افتاد؟

بله، رئیس‌جمهور آمریکا رهبران عربستان سعودی را در هفته‌های گذشته تهدید کرده بود که اگر مقدار تولیدی نفت خود را کاهش ندهند، نیروهای آمریکایی مستقر در عربستان از این کشور بیرون کشیده خواهند شد. ترامپ به محمد بن سلمان ولیعهد سعودی در دوم آوریل گفته بود که در صورت عدم کاهش تولید نفت سعودی، رئیس‌جمهور آمریکا در برابر کنگره که در حال گذراندن یک قانون در مورد خروج نیروهای آمریکایی از سعودی به دلیل فاجعه جنگ یمن است، مقاومت نخواهد کرد. نمایندگان عضو حزب دمکرات در دو مجلس قانون‌گذاری آمریکا همیشه با رفتار عربستان سعودی در رهبری ائتلاف علیه صنعا مشکل داشتند. اما این بار برخی از نمایندگان عضو حزب جمهوری خواه نیز به همتایان دمکرات در پی گیری محدود کردن نیروهای آمریکایی در سعودی ملحق شدند. نمایندگان جمهوری خواه موافق این طرح، بیشتر از مناطقی که نفت و گاز شیل آمریکا از آن مناطق تولید و یا ذخیره و منتقل می‌شود، هستند.

آینده جایگاه اوپک را چگونه می‌بینید؟

به نظر من اوپک به کار خود ادامه خواهد داد. اوپک در ایمن سازی حداقل منافع مشترک کشورهای عضو از ۱۹۶۰ تاکنون نسبتاً موفق بوده است. بدون وجود اوپک تولیدکنندگان کوچک مانند نیجریه، لیبی و ونزوئلا نمی‌توانستند و نمی‌توانند در برابر فشارهای تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان عمده‌ای مانند آمریکا، روسیه، چین، ژاپن، و اتحادیه اروپا مقاومت کنند. به نظر من قطر در خروج از اوپک به مشورت‌های شرکت‌های آمریکایی گوش کرده و با عجله این سازمان را ترک کرد. نقش اوپک در بازار نفت همچنان مؤثر است.

اثر کاهش قیمت بر مصرف‌کنندگان عمده نفت

نظیر چین و هند و ژاپن چیست؟

در ژاپن تولید صنعتی به کمترین مقدار در طی هفت

ژئوپلیتیک این کشور رسید.

به نظر می‌رسد موقعیتی ویژه برای تصمیم‌گیری صحیح جهت انتقال به دوران پساکرونا برای مسئولین و نخبگان کشور فراهم شده است. چه خوبست که سیاستمداران کشور به این نتیجه برسند که سیاست‌گذاری در حوزه انرژی از دیگر بردارهای اجتماعی کم‌اهمیت‌تر نیست. تا آن جا که می‌شود، بخش انرژی کشور را در یک دیدگاه هم‌گرایانه و نزدیک به هم برنامه‌ریزی کرده و برای آینده سناریوهای متعدد طراحی و تولید شود.

دوم تا آن جا که می‌شود تولید نفت و گاز را بالا ببریم. این دو ماده معدنی، مهم‌ترین مزیت‌های این کشور در پس از منابع انسانی آن است. گرچه تحریم به این روند لطمه زده، اما به نظر می‌رسد قبل از تحریم، وادادگی مدیران این صنعت بیشتر از تحریم در حال ضربه زدن به منافع ملی کشور است. اگر ایران در ۱۹۷۶ به ایجاد ظرفیت اضافی می‌پرداخت، از اتحاد آمریکا و عربستان سعودی شکست نمی‌خورد. اگر ما ظرفیتی بیشتر از مقداری که در ۲۰۱۸ نفت تولید می‌کردیم داشتیم، تحریم‌های آمریکا به این راحتی علیه ایران به نتیجه نمی‌رسید.

سوم با همسایگان بیشتر باید کار کرد. با همه آن‌ها بهتر است که حداقل یک خط لوله نفت خام و یک خط لوله انتقال گاز طبیعی داشته باشیم. عجیب نیست که کویت از آمریکا گاز وارد می‌کند و از ایران نه؟ چهارم، دوستان وزارت نفت و وزارت خارجه مزیت ژئوپلیتیک ایران را فراموش کرده‌اند. فروپاشی شوروی بزرگترین تحول در سیاست خارجی ایران است. اگر از قزاقستان، ترکمنستان و ازبکستان خطوط لوله متعدد به سمت یکی از پر مصرفترین مناطق انرژی یعنی چین ساخته شده، چرا از ایران به آن سو خطوط لوله ساخته نشود. و اگر خطوط لوله از جمهوری آذربایجان و روسیه به سمت غرب و اروپا در حال کار است چرا از ایران نه؟

پنجم، مصرف انرژی در میان ما ایرانیان بیش از اندازه متوسط شدت انرژی در هر کجای جهان است، ضمن این که تولید صنعتی ما هم چندان زیاد نیست. یک گزارش نشان می‌دهد که ایرانیان به اندازه یک میلیون و دویست هزار بشکه نفت معادل، از حامل‌های انرژی به صورت تلفات و بازدهی کمتر مصرف می‌کنند. سیاست‌گذاری مبتنی بر مقررات جدید و نظامنامه‌های دقیق‌تر و بالابردن راندمان پالایشگاه‌ها، نیروگاه‌ها، خطوط انتقال و کم کردن بخش‌های اداری و توجه دادن مردم به کمتر و درست مصرف کردن انرژی از وظایف اصلی دولت است. ●

یک پیش‌بینی خوش‌بینانه می‌گوید که بخشی از صدمات اقتصادی ممکن است در ۲۰۲۱ جبران شود. بنابراین به نظر می‌رسد تقاضا برای نفت در بازه‌ای میان شش ماه تا دو سال به سطح قبل از کرونا بازگردد. اما به نظر من با می‌گردد.

اقتصاد جهانی تحت تأثیر وپروس کرونا با تغییرات عمده‌ای روبرو گشته است. رشد اقتصادی به شدت کم و کمتر شده و رکود اقتصادی عمیق و عمیق‌تر

آیا مخالفین سیاست‌های جهانی ترامپ می‌توانند از سلاح نفت در انتخابات آینده ریاست جمهوری آن کشور علیه او استفاده نمایند؟
نمی‌دانم.

وضع تولید نفت ایران در این دوره چه می‌شود و پیش‌بینی برای آینده چیست؟

به نظر من در شرایط کنونی اقتصاد ایران از شرایط تک محصولی گذشته است. در یک سناریوی بدبینانه ایران اکنون حدود ۲۰۰ هزار بشکه نفت در روز صادر می‌کند و در یک سناریوی خوش‌بینانه ۵۰۰ هزار بشکه در روز. یک سناریوی واقع‌بینانه هم این است که ایران تولیدی در میان این دو انتهای رنگین کمان دارد. به هر رو مطابق گزارش اوپک، تولید نفت ایران کلاً از دو میلیون و یکصد هزار بشکه تجاوز نمی‌نماید. پس ایران به تولید نفت و فروش آن ادامه می‌دهد. البته ایران دارای ظرفیت‌های دیگری در همین بخش هست. مانند میعانات گازی و یا صادرات گاز طبیعی و یا فرآورده‌های نفتی و یا تولیدات پتروشیمی. به نظر من در عین حال که دولت ایران از فضای به وجود آمده پس از برجام استفاده بهینه را نکرده و بیشتر به بحث‌های ژورنالیستی در زمینه این که قراردادهای نفتی چگونه باشد رو آورد و یا با شرکت‌های چینی برخورد دورنگرانه‌ای نداشت، اما مجموع تحولات بازار انرژی در جهان، یک فرصت طلایی برای ایران پیش آورده تا با مجموعه سیاست‌گذاری صحیح و همسو با منافع ملی ایران به سوی آینده گام بردارد. اقتصاد ایران به نظر من گرچه دارای اشکالات ظاهری و قالبی هست، اما ساختارهای قوی داشته و با کمی تلاش می‌شود به یک اقتصاد منعطف با تلفیق ظرفیت‌های منابع انسانی و منابع طبیعی و مزیت‌های

سال اخیر رسیده است. رشد هند از نیمه دوم ۲۰۱۹ کمتر از حد مورد انتظار بوده است. چین بزرگترین واردکننده نفت جهان است که در ۲۰۱۹ روزانه ۱۰/۰۴ میلیون بشکه نفت خام خریداری کرده بود. ولی فقط ۲ ماه پس از شیوع این ویروس، تقاضای نفت چین به خاطر لغو سفرها، کاهش حمل و نقل جاده‌ای و پایین آمدن تولید کارخانه‌ای به شدت کاهش یافت. چین ۱۳ بشکه از هر ۱۰۰ بشکه نفت تولید شده در جهان را مصرف می‌کند، بنابراین شرکت‌های نفت جهان از کاهش تقاضای این کشور ضربه می‌خورند. کاهش تقاضای نفت چین بزرگترین شوک تقاضا به بازار از زمان بحران مالی است که در ۲۰۰۹ به پایان رسید. این شرایط همچنین ناگهانی‌ترین شوکی است که بازار پس از حمله‌های یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ در دو دهه گذشته با آن مواجه شده است. بنابراین کاهش قیمت نفت بر مصرف‌کننده در سطح خرده فروشی، جذاب است و فرآورده‌های نفتی با قیمت کمتر به دست آنان می‌رسد. اما در سطح کلان سقوط قیمت نفت به معنای کاهش رشد اقتصادی در کشورهای مصرف‌کننده نیز هست.

این وضعیت با وضعیت سال‌های دهه هفتاد که ارزان بودن قیمت نفت باعث افزایش تولید صنعتی و افزایش تولید ناخالص ملی کشورها می‌گردید نیست. پایین بودن قیمت نفت باعث رکود نسبی در اقتصاد جهانی می‌گردد.

آینده تقاضا برای نفت را چگونه می‌بینید. چه زمانی این تقاضا برمی‌گردد؟

اقتصاد جهانی تحت تأثیر ویروس کرونا با تغییرات عمده‌ای روبرو گشته است. رشد اقتصادی به شدت کم و کمتر شده و رکود اقتصادی عمیق و عمیق‌تر. به گفته رئیس صندوق بین‌المللی پول در حالی که رشد اقتصادی در ۲۰۲۰ منفی می‌شود، بدترین سقوط از رکود بزرگ در ۱۹۳۰ را جهان در ۲۰۲۰ تجربه می‌کند. در حالی که در گذشته در مقاطعی که شوک اقتصادی و یا کاهش رشد اقتصادی را تجربه می‌کردیم، این امید وجود داشت که منحنی کاهشی رشد اقتصادی بصورت V شکل بوده و در آینده‌ای نزدیک در پس از آن به بهبود اقتصادی بازگردیم، به نظر کارشناسان به دلایل مختلف این بار احتمال دارد که مدت زمان زیادی لازم باشد تا اقتصاد جهانی به کریدور بهبود و ترمیم بازگردد. به خصوص که عوامل روانی همچون ترس و دلهره حاکم بر بازار همراه با سقوط تقاضا و کاهش عرضه امید به بهتر شدن وضعیت اقتصادی را کم‌رنگ می‌کند.